

دو فصلنامه تفسیر پژوهی
سال نهم، شماره پانزدهم
بهار و تابستان ۱۴۰۰
صفحات ۲۴۵-۲۱۷

* تتبع سیر تدریجی آموزه تواضع در قرآن با تکیه بر ترتیب نزول *

** مهدی مطیع *

*** الهام آقادوستی ***

چکیده

بررسی آموزه‌های اخلاقی قرآن در بستر تاریخی نزول می‌تواند زوایای مهمی از این آموزه‌ها را روشن سازد. در واقع با تتبع یک موضوع در سیر نزول می‌توان فرایند حذف یک رذیله اخلاقی و جایگزین کردن یک فضیلت به جای آن را ترسیم نمود و شیوه قرآن در تبیین مفاهیم اخلاقی به منظور تشبیت آنها در نهاد بشر را به خوبی نشان داد. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با هدف تبیین آموزه اخلاقی «تواضع» در فرایند نزول، درصدد کشف معارف نهفته آنها و ترسیم شیوه نهادینه کردن تعالیم اخلاقی در جامعه است. بهره‌گیری از تمثیل و ذکر مصادیقی از سرگذشت انبیاء و امم سلف، بکارگیری روش الگوسازی و معرفی نمونه‌هایی شایسته و مزین به اخلاق برتر، استفاده از نظام ثواب و عقاب و وعده و وعید به عنوان ضمانت اجرا، تدریج در حذف یک رذیله اخلاقی و ایجاد یک فضیلت به جای آن، تبیین خصایص و برتری‌های صفت اخلاقی جایگزین از جمله روش‌هایی است که خداوند در نهادینه کردن این آموزه اخلاقی در قرآن بکار گرفته است. پس از واکاوی آیات مربوط به این حوزه و حوزه مخالف آن یعنی کبر، جنین حاصل شد که مفهوم تکبر در حوزه آیات مکی بیش از مدنی ملاحظه می‌شود و در آیات مدنی نقش خشوع پررنگ‌تر است. تغییر در نوع مخاطبان تواضع در آیات مکی نسبت به آیات مدنی و تغییر مفهوم خشوع از خشوع ظاهری در آیات مکی به خشوع باطنی در آیات مدنی از دیگر نتایج این پژوهش بوده و مبین آن است که تعامل با خلق مقدمه تعامل با حق و عمل مقدمه صفت است و بنده با تمرین خشوع در برابر دیگر مخلوقات آماده تعاملی خاضعانه با حق می‌گردد.

کلید واژه‌ها: قرآن، آموزه‌های اخلاقی، تواضع، ترتیب نزول، تکبر.

* تاریخ دریافت: ۹۹/۱۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۳

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان.

*** دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

mahdimotia@gmail.com

e.doosty@yahoo.com

۱- بیان مسأله

تواضع در میان عرب جاهلی خصلتی شناخته شده بود، به طوری که یکی از شرایط سیادت در میان آنها محسوب می‌شد. با این وجود آنچه از خلال تاریخ ادبیات عرب و اشعار جاهلی بیشتر به چشم می‌آید، حاکی از نخوت و تکبر عرب جاهلی است که اسلام از آن با عنوان «عَبِيَّة الجاهلی» نام می‌برد. عرب بادیه نشین معمولاً به تفاخر و مباحات وصف می‌شد، زیرا او بسیار به خود می‌بالید و خود را بالا و برتر از دیگران می‌پنداشت، حتی اگر فقیرترین مردم بود. آنها فرزندان خود را نیز مغرور تربیت می‌کردند تا بر خود ببالند و این صفت آنها به عجب تبدیل شده و باعث شده بود هنگام سخن گفتن صدای خود را بالا ببرند و خشونت در کلمات آنها آشکار بود. عرب جاهلی بعضاً نمونه یک انسان متکبر بود که حتی در حالت فقر نیز دست از تکبر و غرور خویش برنمی‌داشت، او به سرعت خشمگین شده و به قدرت خود می‌بالید. این عجب و غرور نه تنها در نحوه سخن گفتن بلکه در نوع راه رفتن آنها نیز به خوبی هویدا بود، به طوری که برخی از اعراب جاهلی به «خُیلاء» یعنی عجب و تکبر و خودبینی شناخته می‌شدند (نک: ضیف، ۱۴۲۷: ۶۹/۱؛ حوفی، ۱۹۶۲: ۳۵۵ و ۳۵۸؛ بلاشر، ۱۴۰۴: ۴۲؛ علی، ۱۳۸۰: ۲۲۹/۴ و ۲۱۷ و ۴۱۷ و ۴۲۹).

اسلام در چنین شرایطی که اهداف و انگیزه‌های مردم در گرو قوانین قبیله و کسب ریاست و برتری بود، ظهور کرد. لذا تعلیم قواعد اخلاقی و سپس تثبیت آن در نهاد عرب جاهلی دفعتاً ممکن نبود؛ زیرا اعراب رذایل اخلاقی قومی خود را به واسطه انتساب به پدران و نیاکانش ستوده و بدان مباحات می‌کردند. پذیرش قواعد اخلاقی قرآن و عمل بدان برای یک اعرابی که سالهای متمادی با چنین خویی انس گرفته، به مراتب دشوار بود. لذا قرآن با اتخاذ راهکار «تدریج» سعی داشت تا عرب جاهلی را کم کم از وادی رذایل جاهلی رهانیده و به بهشت آموزه‌های قرآنی فراخواند. این تغییرات اخلاقی می‌توانست در نهایت منجر به تغییر اعتقادی و قلبی و صفاتی گردد و جامعه جاهلی را همزمان در دیگر ابعاد که مهمترین آن بعد اعتقادی و تغییر نگرش دینی آنها بود به سوی کمال رهنمون سازد.

آنچه این مقاله در پی آن است، تتبع سیر نزول آیات اخلاقی حوزه «تواضع» است تا با واکاوی آنها بتوان به روش قرآن در تبیین و تفهیم این آموزه دست یافت و در نهایت نموداری از این سیر تدریجی ارائه داد. در واقع سوالات اصلی این پژوهش آن است که بررسی سیر نزول مفهوم تواضع در قرآن چه نتایجی در بردارد؟ و نظام تدریجی آموزه اخلاقی تواضع در قرآن چگونه قابل ترسیم است؟ به همین منظور با روش توصیفی - تحلیلی به سراغ آیات این حوزه رفته و پس از استخراج آنها براساس ترتیب نزول، روش قرآن را در تبیین تدریجی آیات اخلاقی تواضع و تثبیت آن در نهاد عرب جاهلی بررسی می‌نماید.

از آنجا که بررسی مفهوم تواضع ذهن را به سوی رذیله مخالف آن یعنی کبر سوق می‌دهد، لذا در این مقاله هرچند محور بحث حول مفهوم کانونی تواضع و مفاهیم کلیدی آن است، اما از تبیین مفاهیم حوزه کبر نیز غافل نشده تا بتوان گزارشی جامع از سیر این آموزه اخلاقی در قرآن ارائه داد؛ لذا مفاهیم حوزه کبر با کلید واژگان این حوزه از جمله «کبر، استکبار، تکبر» بازشناسی شده‌اند.

اهمیت این مقاله از آن جهت است که با تتبع آموزه اخلاقی تواضع در سیر نزول می‌توان از یک سو از عدم اختلاف و تناقض در آن موضوع در طی ۲۳ سال پرده برداشت و از سویی دیگر با روش قرآن در چگونگی حذف یک رذیله و نهادینه کردن یک آموزه اخلاقی به جای آن آشنا شد و این سیر را به خوبی برای مخاطبان تبیین نمود.

لازم به ذکر است که ترتیب سوره‌ها در این پژوهش براساس فهرست ترتیب نزولی است که محمد عزه درزوه در کتاب خود «التفسیر الحدیث» ارائه داده است.

۱-۱. پیشینه

تالیفاتی که در حوزه تواضع و نقطه مقابل آن یعنی تکبر صورت گرفته است، تعداد قابل توجهی دارد که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: پایان‌نامه «تکبر و تواضع از دیدگاه قرآن و حدیث» از ناصر بابوسته و دکتر پهلوان که به معنی‌شناسی، آسیب‌شناسی و

ذکر مصادیق این دو عنوان در خلال آیات و روایات پرداخته است. مقاله «ساخت و اعتبار یابی مقیاس اسلامی تکبر - تواضع» از عباس علی هراتیان و مژگان آگاه که نویسندگان در آن به طراحی، ساخت و اعتباریابی مقیاس تکبر - تواضع براساس قرآن کریم و روایات پیامبر و اهل بیت به منظور سنجش رذیله اخلاقی تکبر و فضیلت اخلاقی تواضع پرداخته‌اند. مقاله «نقش عنصر تواضع در شکل‌گیری و تقویت ارتباطات میان فردی از منظر آیات و روایات» از معصومه سلیمانی. نگارنده در این مقاله به نقش مهمی که تواضع برای برقراری ارتباط و تداوم آن دارد، اشاره کرده و به حد و مرز تواضع ممدوح و مذموم پرداخته است. هیچیک از این پژوهش‌ها به بررسی آیات تواضع در سیر نزول و تبیین شیوه قرآن در نهادینه‌سازی این آموزه نپرداخته‌اند، بلکه این عنوان را از زوایای دیگر مورد بررسی قرار داده‌اند.

۲- مفهوم تواضع

تواضع مصدر باب تفاعل به معنای تذلل، فرو نهادن خویش و فروتنی کردن است (فراهیدی، ۱۴۰۵: ۱۹۵/۲؛ جوهری، ۱۳۷۶: ۱۳۰۰/۳؛ طریحی، ۱۳۹۵: ۴۰۵/۴) و در اصطلاح علم اخلاق، از فضایل ارزشمند اخلاقی شمرده شده و به این معناست که انسان دارای ملکه شکسته نفسی باشد، به گونه‌ای که برای خود مزیتی بر دیگران نبیند و با کردار و گفتار خویش دیگران را بزرگ شمرده، به آنان احترام بگذارد. بنابراین، معنای لغوی تواضع اعم از معنای اصطلاحی آن بوده و تواضع در برابر خدا را نیز شامل می‌شود، چنان که واژه تواضع در برخی روایات، عبارات مفسران و اخلاق پژوهان نیز به همین معنا به کار رفته است (جمالی، ۱۳۹۱: ۴۶/۹).

واژه تواضع در قرآن بکار نرفته بلکه واژگان اصلی این حوزه مانند خشع، خضع، ذلل و خبت استعمال شده که مولفه مشترک در همه آنها تواضع و فروتنی است. در موارد متعدد نیز تواضع به صورت کنایی در عباراتی مانند خفض جناح بکار رفته است.

خشوع در لغت از خشع گرفته شده و به معنای خضوع است (طریحی، ۳۲۱/۴؛ جوهری، ۱۲۰۴/۳). خلیل بن احمد در معنای خشوع آن را نگاه دوختن به زمین معنا کرده و معتقد است خضوع در بدن است و خشوع در بدن و چشم و صوت (فراهیدی، ۱۱۲/۱). ذُل ضد عزت و به معنای خوارشدن است. همچنین ذُل مصدر ذلول یعنی چارپایی که مطیع و نیز مصدر ذلیل به معنای ذلت است (زبیدی، ۲۵۲/۱۴؛ فراهیدی، ۱۷۷/۸). اخبت نیز از خبت گرفته شده و به معنای تواضع و خشوع است. خضوع نیز به معنای تواضع است (ابن منظور، ۱۴۰۰: ۲۷/۲ و ۷۲/۸؛ طریحی، ۱۹۹/۲ و ۳۲۲/۴).

رذیله مقابل تواضع، تکبر و خودستایی است که آیات فراوانی را به خود اختصاص داده و دارای حوزه معنایی گسترده‌تری است. از آنجایی که بررسی یک فضیلت اخلاقی بدون در نظر گرفتن رذیله مقابل آن بی‌معناست و نیز از آنجایی که در برخی دوره‌های نزول قرآن اثری از حضور مفهوم تواضع نیست و از طریق معنای مخالف آن یعنی معنای حوزه تکبر، می‌توان به بررسی روند این آموزه پرداخت، لذا اشاره به مفاهیم این حوزه نیز ضروری است.

تکبر بر وزن تَفَعَّل از ریشه «ک-ب-ر» صفتی نفسانی و ناپسند و منشأ بسیاری از رذایل اخلاقی است و تا اظهار نشده باشد به آن کبر اطلاق می‌شود و چون اظهار شود، تکبر گفته می‌شود. از این رو در علم اخلاق تکبر زائیده کبر دانسته شده است، چنان که کبر خود نیز، از نتایج عجب است، زیرا اگر کسی برای خویش صفت کمالی ببیند و به سبب آن از خودش خوشش بیاید، به این حالت عجب گفته می‌شود و اگر افزون بر آن خود را با دیگری مقایسه کرده و خویش را برتر ببیند به آن کبر گفته می‌شود (تربتی، ۱۳۸۲: ۴۸۸/۸).

واژگان کِبَر و تَكَبَّر و اسْتَكْبَار در معنی به هم نزدیکند. استکبار دو وجه دارد: ممدوح و مذموم. استکبار ممدوح آن است که انسان در مکان و یا زمانی که بزرگی و استکبار در آن واجب است، قصد بزرگی کند و استکبار مذموم در افزون طلبی و برتری جوئی است

بطوریکه از نفس و وجود او چیزی که شایسته او نیست، آشکار شود. تکبر نیز دو وجه دارد: تکبر پسندیده یعنی افعال نیک در حقیقت آنقدر در کسی زیاد باشد که بیش از نیکی‌های دیگران است که در این معنی خدای تعالی با واژه تکبر توصیف می‌شود. دیگری تکبر مذموم و ناپسند است یعنی انسان بیش از شخصیت خویش و با زحمت و تکلف آن بزرگی را طلب کند (ابن منظور، ۱۴۰۰: ۱۳۳/۵-۱۲۶؛ ابن فارس، ۱۴۱۱: ۱۵۳/۵؛ راغب، ۱۴۱۶: ۶۹۶).

۳- سیر تبیین تواضع در قرآن

از آنجا که کبر و عُجب دو صفت بارز در میان عرب جاهلی بود، حجم قابل توجهی از آیات قرآن بویژه آیات مکی به این رذیله اختصاص داده شده است و بیش از هر چیز به استکبار و برتری جویی امم سلف به منظور عبرت‌گیری مسلمانان اشاره شده است. خداوند با تبیین سرگذشت امت‌های متکبر پیشین و عواقب دردناک دنیوی آنها، سعی در بازداشت مسلمانان از این طریقه مذموم دارد.

مفهوم خشوع در خلال آیات مکی و مدنی در سه محور قابل جستجو است؛ اول: لفظ خشوع که در قالب واژگان «خشع، ذلل، خبت و...» به کار رفته است، مانند «فی صلاتهم خاشعون»، دوم: مفهوم خشوع که به صورت کنایی استعمال شده است، مانند «واخفص جناحک»، سوم: معنای مخالف که به صورت فعل متضاد با استکبار بکار رفته است، مانند «لا یتکبرون» که مفهوم عدم استکبار همان تواضع و خشوع است. مفهوم کبر نیز در قالب الفاظ حقیقی مانند «کبر و استکبار و علو و...» و همچنین تعابیر کنایی مانند «ثانی عَطْفِه»، «أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ» و «مُخْتَالًا فَخُورًا» مطرح شده است.

۳-۱. سیر تدریجی مفهوم تواضع در آیات مکی

آیات مکی در این پژوهش به دو مرحله تقسیم می‌شود. مرحله نخست به بررسی نخستین آیات نازل تا پایان سوره اعراف به ترتیب نزول می‌پردازد. این آیات تنها به تبیین استکبار

پرداخته و سخنی از تواضع در آنها ملاحظه نمی‌گردد. اما آیات مرحله دوم که از سوره فرقان تا پایان آیات مکی را شامل می‌شود، مفهوم تواضع کم کم در کنار استکبار ظاهر می‌گردد. پس از اشاره به آیات مکی به ترتیب نزول، در پایان این قسمت گزارشی کلی از روند این آیات تبیین می‌گردد.

۳-۱-۱- مرحله نخست: عدم ظهور مفهوم تواضع

در این مرحله ۱۷ آیه به توصیف «استکبار» در قالب واژگان «تکبر و اشر»، «تزکی و عزت» و «استکبار و علو» پرداخته است^۱ و آیات مربوط به «خشوع» ملاحظه نمی‌گردد. همه آیات به صورت توصیفی بیان شده‌اند به جز آیه ۳۲ نجم که به صورت نهی به کار رفته و محسنین را از خودستایی برحذر داشته است. در آیات این دوره به جز اولین آیه که در مورد یکی از دشمنان پیامبر است، بقیه آیات در توصیف استکبار ابلیس و اقوام سلف است.

خداوند به منظور تبیین معنای تواضع، به توصیف متکبران و نهی از کبر و بیان سوء عاقبت آنها می‌پردازد؛ لذا در نخستین آیات مکی پس از توصیف دشمنان مستکبر پیامبر آنها را از کبر نهی می‌کند و سپس مسلمانان را از خودستایی که مقدمه تکبر است، برحذر می‌دارد. سپس پیشینه کبر را در میان اقوام سلف بیان می‌کند و عامل سرکشی آنها را عدم اطاعت از پیامبر زمانه خود عنوان می‌کند. یکی از واژگان حوزه کبر که در قرآن استعمال شده واژه «اشر» به معنای تکبر و سرمستی است (مقاتل، ۱۴۲۳: ۱۸۱/۴؛ ابن‌منظور، ۱۴۰۰: ۲۰/۴) که در توصیف قوم ثمود بکار رفته است. قوم ثمود با اینکه خود مردمی تبهکار بودند، تکبر را ناپسند دانسته و حضرت صالح علیه‌السلام را دروغگویی متکبر می‌پنداشتند که می‌خواست از راه ادعای نبوت بر آنان برتری یابد، ولی خداوند در پاسخ به اتهام آنها می‌فرماید که آنان در قیامت خواهند دانست چه کسی دروغگو و متکبر است.

۱. این آیات بر اساس فهرست دروزه به ترتیب شامل این آیات است: (مدثر/ ۲۳)، (نجم/ ۳۲)، (قمر/ ۲۵ و ۲۶)، (ص/

۲)، (ص/ ۷۴ و ۷۵)، (اعراف/ ۱۳، ۳۶، ۴۰، ۴۸، ۷۵، ۷۶، ۸۸، ۱۳۳، ۱۴۶، ۲۰۶).

یکی دیگر از الفاظ حوزه کبر «عزه» است که خداوند آن را ویژه کافران برمی‌شمرد. مراد از «عزه» آن است که آنها در حالت حمیت و عصیبت جاهلی و نیز استکبار از اعتراف به حق هستند (مقاتل، ۱۴۲۳: ۶۳۵/۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۷۱/۴؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۴۴/۷). خداوند با اشاره به تکبر اقوام سلف در برابر رسولان الهی، آنها را لایق ورود به بهشت نمی‌داند و عامل بدبختی اهل دوزخ را تکبر از قبول دعوت حق عنوان می‌کند. همچنین به انواع بلایایی که قوم فرعون در نتیجه کبر و خودداری از پذیرش حق بدان گرفتار شدند، اشاره کرده و سرنوشت همه کسانی که در زمین تکبر می‌ورزند را چنین بیان می‌نماید.

واژه پرتکرار «استکبار و تکبر» در آیات ابتدایی مکی و عدم حضور آیاتی دال بر خشوع در این دوره حاکی از شرایط خفقان آور دعوت در سال‌های اولیه بعثت و وجود دشمنانی سرسخت و متکبر در برابر پیامبر و اصحابش بود. قرآن با بیان سرنوشت دردناک مستکبران امتهای گذشته و مقاومشان در برابر آیات و بینات الهی، سعی در هدایت مشرکان مستکبر دارد. پس از اشاره به مرحله دوم آیات مکی، در پایان، جمع بندی کلی از آیات این دوره ارائه می‌گردد.

۳-۱-۲- مرحله دوم: ظهور مفهوم تواضع در کنار استکبار

در این مرحله که شامل ۶۰ آیه می‌باشد،^۱ هسته اصلی مفهوم تواضع ظهور می‌یابد و در کنار استکبار به کار می‌رود؛ بدان معنا که در خلال آیات این مرحله برخی از سور به تقبیح

۱. آیات به ترتیب نزول شامل این آیات است: (فرقان / ۲۱، ۶۳ و ۶۴)، (فاطر / ۴۳)، (شعراء / ۲۱۵)، (نمل / ۱۴، ۳۱)، (قصص / ۳۹، ۷۶، ۸۳)، (اسراء / ۴، ۳۷، ۱۰۷، ۱۰۹)، (یونس / ۸۳، ۷۵)، (هود / ۱۰، ۲۳)، (حجر / ۸۸)، (انعام / ۹۳)، (صافات / ۳۵)، (لقمان / ۷، ۱۸، ۱۹)، (سبأ / ۳۳-۳۱)، (زمر / ۶۰، ۵۹، ۷۲)، (غافر / ۴۸ و ۴۷)، (غافر / ۵۶، ۶۰، ۸۳)، (فصلت / ۱۵، ۳۸)، (شوری / ۴۵، ۴۸)، (دخان / ۱۹، ۳۱)، (جاثیه / ۸، ۳۱)، (احقاف / ۱۰، ۲۰)، (نحل / ۲۲، ۲۳، ۲۹، ۴۹)، (نوح / ۷)، (ابرهیم / ۲۱)، (انبیاء / ۱۹، ۹۰)، (مومنون / ۲، ۴۶، ۶۷)، (سجده / ۱۵)، (انفطار / ۶)، (عنکبوت / ۳۹)، (حج / ۹، ۳۴).

کبر اشاره کرده و دسته‌ای دیگر به فضیلت تواضع و بیان آن به عنوان ویژگی بارز عبادالرحمن. مفاهیم خضوع در این مرحله غالباً به شکل وصفی و برخی به صورت امر یا نهی آمده است. در آیاتی که دال بر خضوعند یا پیامبر مورد خطاب است، یا لقمان که فرزندش را به خضوع در رفتار و گفتار امر می‌کند و یا مسلمانان که به خضوع در برابر پدر و مادر توصیه می‌شوند.

آیات این قسمت با موضوع استکبار مشرکان آغاز می‌شود و عناوینی مانند «عتو کبیر» برای آنها بکار می‌رود. مراد از این ترکیب آن است که مشرکان در ظلم کردن از حد تجاوز کرده و به نهایت درجه آن رسیدند، به طوریکه معجزات را می‌دیدند، از آنها روی می‌گرداندند و پیشنهادهای باطل می‌کردند (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۲۱/۴). این کافران در قیامت هرگز مزده بهشت را نخواهند شنید.

در ادامه به تواضع عبادالرحمن در برابر بندگان و نیز در برابر خداوند با دو توصیف اشاره دارد که هر دو بر فروتنی آنها دلالت دارد. یکی راه رفتن آنها بر زمین به آرامی و بدون تکبر است و دیگری برخورد صلح جویانه با جاهلان است که در برابر سخنان آنها با تواضع عبور می‌کنند (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۸۷/۱۹). این بندگان در هنگام روز در برخورد با دیگران حالتی فروتن داشته و شب‌ها در برابر خداوند نیز متواضعانه سجده و قیام می‌کنند. پاداش این بندگان خالص بهشت جاودان است.

یکی از اصطلاحاتی که در این مرحله در مفهوم کبر بکار رفته، «علو در زمین» است که از صفات مذموم سرکشان اقوام سلف عنوان شده و در چندین آیه بدان اشاره شده و گروهی از مفسران «علو» را به کبر و تکبر معنا کرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲: ۸۶/۱۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۵۴۶/۲۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۳۶۴/۳؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱۷۰/۶).

در حوزه واژگان تواضع نیز واژه «ذل» ملاحظه می‌گردد که خداوند در امر به تواضع در برابر پدر و مادر از آن استفاده می‌کند. این لغت به معنای خواری و ذلالت نیست، بلکه

منظور از آن نرمی و تواضع است. تعبیر گشودن پر و بال تواضع و نرمخویی در برابر پدر و مادر، تشبیهی است که مرغی را بخاطر می آورد که پر و بال خود را می گشاید و جوجه های خود را در زیر آن پناه می دهد. خداوند از بندگان خود می خواهد که پدر و مادر را در زیر پر و بال احسان و محبت خویش، پناه دهند، همانطوری که آنها در دوران کودکی، پر و بال محبت خود را بر سر فرزندان خویش گشودند و آنها را بزرگ کردند. عرب، هر گاه بخواهد کسی را توصیف کند که در برابر پدر و مادر، نرم خو و مهربان است، می گوید: «او خافض الجناح است» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶/۶۳۱).

موضوع استکبار در آیات مکی بیش از همه در داستان موسی و فرعون ملاحظه می گردد و خداوند با اشاره به سرگذشت آنها بیان می کند که نه تنها بر دلهای آنها علامت کفر زده، بلکه بر قلب هر متکبر جبار نیز مهر می زند تا او را عقوبت نماید. لفظ «جبار» که در برخی آیات به عنوان صفت برای «متکبر» استعمال می گردد، به معنی کسی است که از قبول حق، سرپیچی کند و یا به معنی «قتال» یعنی زیاد کشنده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸/۸۱۴).

یکی دیگر از واژگان حوزه استکبار که در آریات این مرحله استعمال شده، «مرح» است که مراد از آن فخر و شدت سرور و سرمستی بیان شده است (طبری، ۱۴۱۲: ۲۴/۵۶؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۴/۵۷۰). همچنین تعبیر «ثانی عطفه» در یکی از آیات این مرحله کنایه از تکبر است. یعنی انسان به هنگام اعراض از چیزی، عطف یعنی پهلو و کنار خود را از آن می گرداند (شیخ طوسی، بی تا: ۷/۲۹۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۷/۱۱۱). در برابر، واژه «خبت» نیز از واژگان حوزه تواضع به معنای خشوع مومنان تبیین شده و به کسانی که به خداوند ایمان آورده و در برابر او متواضعند بشارت داده شده است.

مفهوم کلیدی آیات مکی حول مفهوم «استکبار» می گردد؛ به طوری که این مفهوم بیش از چهل بار در آیات این دوره بکار رفته، در حالی که خشوع چه به صورت لغت و چه اصطلاح تنها یازده مرتبه استعمال داشته است و این بیانگر سرسختی و گردنکشی مشرکان مکه در برابر پیامبر و پذیرش دعوت او و ایمان به آیات الهی است.

خداوند به منظور ریشه‌کن کردن رذایل اخلاقی و جایگزین ساختن فضایل به جای آنها، ابتدا در قالب آیات مکی به توصیف رذایل اخلاقی و عاملان به آن پرداخته و به ذکر مصادیقی از امم سلف و انبیای ایشان و به نهی بندگان از آن رذایل می‌پردازد. سپس با وصف فضایل و عاملان به آنها و بیان تمثیلی از عبادالرحمن، اولوالالباب، مومنان و انبیای پیشین به تشویق بندگان به آن فضایل می‌پردازد.

به طور کلی مضامین آیات مکی را می‌توان به چند دسته تقسیم نمود: ۱. مصادیق استکبار در آیات مکی شامل دشمنان پیامبر، ابلیس، تکذیب‌کنندگان آیات الهی، کافران، ظالمان، گناهکاران، قریش و امت‌های گذشته از جمله قوم ثمود، شعیب، عاد، نوح و بیش از همه قوم موسی است. ۲. عذاب‌هایی که مستکبران در آخرت بدان معذب می‌شوند شامل آتش سقر، خلود در آتش، عدم ورود به بهشت، عذاب دردناک و خوار کننده است. ۳. استکبار در آیات مکی در برابر یکی از این مفاهیم صورت گرفته است: استکبار در برابر آیات الهی و بینات و معجزات انبیا، استکبار در برابر آیات قرآن، استکبار در برابر پذیرش دعوت حق و ایمان به پیامبر، استکبار در برابر عبادت خدا، استکبار در برابر قول «لا اله الا الله»، استکبار در برابر ایمان به آخرت و بالاخره استکبار ابلیس در برابر سجده بر آدم. ۴. مفهوم تکبر نیز از دیگر مفاهیم این حوزه است که مصادیق آن شامل ابلیس، فرعون، قوم موسی و تکذیب‌کنندگان عنوان شده است. مجازات تکبر نیز طرد از درگاه الهی، خلود در جهنم، سیاه شدن چهره‌ها در قیامت و طبع بر قلوب است. ۵. واژه بعدی این حوزه، «علو» است و مصداق آن غالباً فرعون و قومش و بنی‌اسرائیل است و همراه با فساد یا اسراف به کار رفته و گویی فساد به عنوان نتیجه علو عنوان شده است. ۶. کلید واژه دیگر این حوزه که در واقع کلید واژه اصلی در این بخش می‌باشد، تعبیر «خشوع» است. این تعبیر سه مرتبه با عنوان «خشوع» به صورت اسمی به کار رفته، سه مرتبه نیز با عنوان «خفض جناح» اشاره شده و پنج مرتبه هم به تواضع در رفتار و گفتار اشاره شده است. ۷. مصادیق خشوع در

توصیفات عباد الرحمن، زکریا و همسر و فرزندش، اهل کتاب، پیامبر و مومنان، و توصیه‌های لقمان به فرزندش هویدا است. آیات مکی بیش از هر چیز به خشوع در برابر خلق اشاره دارد و سخنی از خشوع در برابر حق نیست، گویی در این مرحله مردم باید با تعامل خاضعانه با یکدیگر خود را برای خضوعی عارفانه در برابر مفهومی برتر آماده کنند. ۸. نشانه‌های خشوع در گفتار و کردار شامل راه رفتن آرام و بدون تکبر بر زمین، سخن صلح آمیز با جاهلان، عبادت مخلصانه در شب و گریه در حال سجده، خفض جناح در برابر مومنان و پدر و مادر، پایین آوردن صدا به هنگام سخن گفتن و روی نگرداندن از مردم است. پاداش خشوع نیز در این آیات بهشت جاودان عنوان شده است.

نکته قابل تأملی که در خلال آیات مورد بحث مشاهده شد، آن است که خداوند معمولاً به طور صریح و مستقیم به نهی از یک رذیله اخلاقی نمی‌پردازد، بلکه مصداق «ایاک اعنی و اسمعی یا جاره»، معمولاً با توصیف آن رذیلت و بیان عاقبت آن در دنیا و آخرت به طور غیر مستقیم به نهی از آن می‌پردازد. در واقع نهی از خلال جملات توصیفی و کنایی قابل برداشت است که این مسئله حائز نکات تربیتی مهمی است. به عنوان نمونه در نهی از تکبر، خداوند در سه آیه از آیات مکی به نهی از تکبر در رفتار می‌پردازد مانند: «لا تمش علی الارض مرحاً» اما به طور صریح عبارت «لا تتکبر و لا تستکبر» در صیغه‌های مختلف بیان نشده است.

هرچند موضوع این قسمت بررسی خشوع و تواضع در آیات مکی بود، اما همانطور که ملاحظه شد در آیات این دوران مفهوم تکبر بیش از خضوع بکار رفته که متناسب با شرایط و موقعیت مخاطبان آیات است. ناگفته نماند که در آیات این دوره سخن از خشوع چشم، خشوع صدا، خشوع صورتها، خضوع گردنها و خشوع زمین^۱ در هشت آیه به کار رفته اما از آنجا که خشوع در بیشتر آنها به معنای حالت ذلت و ترس در عرصه قیامت

۱. (قلم/۴۳؛ معارج/۴۴؛ قمر/۷؛ نازعات/۹؛ طه/۱۰۸؛ غاشیه/۲؛ شعراء/۴؛ فصلت/۳۹).

است و هیچ یک از آنها متناسب با مفهوم تواضع مورد نظر نیست، لذا از موضوع بحث خارج می‌گردند.

۳-۲. سیر تدریجی مفهوم تواضع در آیات مدنی

مجموع آیات مدنی که به موضوع تکبر و تواضع اشاره دارد در برابر آیات مکی بسیار اندک است به طوری که این مفاهیم تنها در هجده آیه و در قالب نه سوره بیان شده است. در این قسمت آیات مدنی به دو مرحله تقسیم می‌شود. در آیات مرحله نخست که از سوره بقره تا پایان سوره نساء ادامه دارد به کبر و تواضع مسلمانان و غیر مسلمانان اشاره شده و در مرحله دوم که از سوره منافقون آغاز و تا پایان سور مدنی ادامه دارد، به ویژگی تواضع و کبر مسلمانان می‌پردازد.

۳-۲-۱- مرحله نخست: کاربرد عام تواضع و تکبر

مفهوم کبر و تواضع در ۱۱ آیه از آیات این مرحله به صورت عام در مورد مسلمانان، منافقان، اهل کتاب و ابلیس بکار رفته است.^۱ مفهوم تکبر در آیات مدنی در دو قالب حقیقی و کنایی استعمال شده است. کلید واژگانی همچون «کبر، استکبار و تکبر» مفهوم کبر را به صورت حقیقی منتقل می‌کنند و مفاهیمی همچون عبارت «أخذته العزه بالاثم» به صورت کنایی به تکبر اشاره دارند. در این دوره هر دو مفهوم حقیقی و کنایی از کبر مشاهده می‌گردد.

در سوره بقره سه مرتبه به تکبر ابلیس، بنی اسرائیل و منافقان و یک مرتبه به خشوع مومنان اشاره شده است. در سوره‌های آل عمران و حشر و احزاب که به ترتیب نزول، بررسی شده‌اند، تنها مفهوم خشوع مطرح شده است که ابتدا به تواضع اهل کتاب سپس به

۱. (بقره/ ۳۴، ۴۵، ۸۷، ۲۰۶)، (آل عمران/ ۱۹۹)، (حشر/ ۲۱)، (احزاب/ ۳۵)، (نساء/ ۳۶، ۴۹، ۱۷۲، ۱۷۳).

خشوع کوه‌ها در برابر خداوند اشاره شده و سپس خطاب به همسران پیامبر آنها را به تهذیب رفتار توصیه می‌کند.

پس از این دسته از آیات، سوره نساء قرار دارد که به مفهوم کبر در قالب الفاظ مختلف اشاره می‌کند. بی‌تردید کبر مقدمه فخر است، زیرا انسان متکبر به برشمردن صفات خود و مباحثات بدانها می‌پردازد. یکی از واژگانی که در خلال این آیات بکار رفته «مختال» است که در لغت به معنای متکبر است و کسی را که از روی تکبر بر مردم فخر می‌فروشد و حقوق دیگران و اکرام بدانها را به خاطر کبر رعایت نمی‌کند، «مختال فخور» می‌نامند (بغوی، ۱۴۲۰: ۶۲۰/۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۵۰۹/۱؛ ابن‌منظور، ۱۴۰۰، ۲۲۸/۱۱). تزکیه نفس نیز که در برخی دیگر از آیات این مرحله بکار رفته به معنای آن است که انسان خود را از بدیها مبرا دانسته و به پاکی توصیف و ستایش کند. در حالیکه تزکیه، شان خداوند است و او هر که را بخواهد از گناه پاک می‌سازد.

۳-۲-۲- مرحله دوم: کاربرد خاص تواضع و تکبر

در آیات این مرحله خداوند به مفهوم کبر و تواضع در میان مسلمانان و منافقان به صورت خاص اشاره دارد و تنها در یک آیه از سوره مائده به تواضع نصاری اشاره می‌کند.^۱ در سوره منافقون به عدم کرنش منافقان در برابر رسول خدا و رویگردانی از ایشان به سبب کبر اشاره شده است و در سوره مائده که تنها مفهوم تواضع آمده است، خداوند به ظهور گروهی از مومنان خبر می‌دهد که در برابر یکدیگر خاضع و در برابر دشمنان سرسخت هستند. آخرین سوره مدنی که به موضوع مورد بحث اشاره دارد، سوره حدید است که خداوند مومنان را عتاب کرده و به خشوع در برابر ذکر خداوند امر می‌کند و می‌فرماید آیا وقت آن نرسیده که دل‌های مؤمنان از ذکر خداوند و از شنیدن آیات قرآن،

۱. (منافقون/۵)، (حدید/۱۶، ۲۳)، (مائده/۵۴، ۸۲)، (حدید/۱۶، ۲۳).

خاشع شود. سپس آنها را از اینکه مانند اهل کتاب باشند، برحذر می‌دارد؛ زیرا اهل کتاب به خاطر طولانی شدن فاصله با پیامبرانشان، دل‌هایشان قسّی و سخت شد و خشوع آن زایل گردید و به گناه روی آورده، فاسق شدند. سپس در ادامه همین سوره مسلمانان را بر دوری از تکبر توصیه می‌کند و از عدم محبوبیت مختالان فخور نزد خداوند خبر می‌دهد. مراد از مختال کسی است که با نگاهی افتخار آمیز به خود می‌نگرد، و فخور با نگاه تحقیر آمیز با دیگران برخورد می‌کند (شیخ طوسی، بی‌تا: ۵۳۴/۹؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۵۹/۱۷).

واژه «استکبار» و «خشوع» هرکدام در آیات مدنی ۶ مرتبه به کار رفته‌اند. همنشینی مختال فخور نیز دو مرتبه در این دوران ملاحظه می‌گردد. واژگان «اذله، متکبر، تزکیه» نیز هرکدام یکمرتبه در آیات مدنی استعمال شده‌اند. مفهوم تکبر در سوره نساء پرکاربردتر از دیگر سور مدنی است و این مسئله می‌تواند بیانگر شرایط نزول سوره باشد؛ چه بسا ظهور کبر در این دوره پررنگ بوده و مفهوم تواضع به ندرت مشهود بوده است. همه آیات این دوران به صورت توصیفی بکار رفته‌اند و صیغه‌های امر و نهی در میان آنها ملاحظه نمی‌گردد. مفاهیم این آیات را می‌توان در چند دسته تقسیم و بررسی نمود: ۱. خداوند با استفاده از مصادیقی همچون اشاره به داستان امتناع ابلیس از سجده بر آدم و نیز استعمال تمثیلی مانند نزول قرآن بر کوه و فروپاشی آن، سعی در نهی انسان از تکبر و ارشاد او به طریق تواضع و خشوع دارد. ۲. مصادیقی که در آیات مکی ملاحظه گشت همچون اشاره به داستان انبیای سلف، در این دوره اصلاً مشاهده نمی‌شود. ۳. مصادیق استکبار در این دوره شامل ابلیس، بنی‌اسرائیل و منافقان می‌شود. آنها از سه چیز امتناع می‌ورزیدند؛ سجده بر آدم، عبادت خدا و توبه و اظهار پشیمانی نزد رسول خدا. استکبار آنها نیز به ترتیب منجر به کفر ایشان، قتل و تکذیب انبیای الهی و عدم برخورداری از استغفار رسول‌الله گشت. ۴. مجازات استکبار طبق این آیات معذب شدن به لعنت الهی، عذاب الیم و عدم برخورداری از نصرت الهی عنوان شده است. ۵. واژه بعدی در این دوره، «مختال فخور» است که دو

مرتب به کار رفته و هر دوبار با عبارت «الذین یبخلون...» وصف شده‌اند. این گروه بخیل هم از اکرام و احسان به والدین و نزدیکان و نیازمندان امتناع ورزیده و تکبر می‌کنند و هم با بدست آوردن متاع ناچیز دنیوی سرمست و مغرور می‌گردند. ۶. وصف «یزکون» نیز یک مرتبه درباره اهل کتاب به کار رفته که به خودستایی از خود می‌پرداختند. ۷. مصادیق خشوع در آیات مدنی شامل کسانی است که از صبر و صلاه استعانت می‌جویند، مومنان اهل کتاب که در برابر خداوند خاشعند، زنان و مردان مسلمان، گروهی از مومنانی که خداوند وعده آمدن آنها را می‌دهد و عالمان و راهبان مسیحی. ۸. پاداش خشوع نیز شامل ملاقات خداوند و رجوع به سوی او، اجری بزرگ نزد پروردگار و آمرزش و مغفرت عنوان شده است. ۹. در آیات مدنی مراد از خشوع، تواضع انسان در برابر چند چیز دانسته شده است: خشوع در برابر خداوند، خشوع در برابر قرآن، خشوع در برابر ذکر خدا و آنچه از جانب خداوند نازل شده و خشوع در برابر مومنان. خشوع در برابر حق در آیات این دوره به وضوح هویداست. برخلاف آیات مکی که مردم به خشوع در برابر خلق توصیف یا امر می‌شدند، در این دوره خداوند و هر آنچه از جانب اوست شایسته تواضع شمرده شده که این سلوکی از خلق به سوی حق است. ۱۰. از نشانه‌های خاشعین در این آیات می‌توان به این موارد اشاره کرد: نماز بر آنها دشوار و سنگین نیست، به ملاقات خداوند و بازگشت به سوی او یقین دارند، در برابر خداوند و اوامر او خاضعند، به پدر و مادر و اقرباء و نیازمندان احسان و اکرام می‌کنند، خودستایی نمی‌کنند، در عبادات خود خاشعند، در برابر ذکر خداوند خاشعند، از متاع دنیوی سرمست نمی‌شوند، در برابر مومنانی دیگر خاشع و در برابر کافران سختگیرند.

۴. نتیجه‌گیری

قرآن نخست به تهذیب قواعد اخلاق جاهلی پرداخت و آن را از ناهنجاری‌ها مبرا ساخت و با محدود کردن یا بسط دادن برخی از آن قواعد، آموزه‌های اخلاقی نوینی پایه‌گذاری

نمود. همچنین با تغییر انگیزه‌های جاهلی، به اصول اخلاقی ضمانت اجرا بخشید و اهدافی الهی را در ورای همه اصول اخلاقی تعبیه نمود.

بررسی سیر نزول آموزه تواضع در قرآن روش‌های نهادینه‌سازی این آموزه توسط خداوند را بخوبی تبیین کرد و می‌توان در خلال آن به خوبی نظاره‌گر مراحل تثبیت آن در نهاد بشر بود. با بررسی سیر تدریجی آیات حوزه تواضع، می‌توان نظام تدریجی این حوزه را در قرآن بدین شکل ترسیم نمود: توصیف یک رذیله اخلاقی ← بیان مصادیق آن ← ترسیم عاقبت دنیوی و اخروی آن ← نهی از آن رذیله ← معرفی یک فضیلت اخلاقی جایگزین آن ← اشاره به مصادیق و نمونه‌های آن فضیلت ← بیان حسن عاقبت دنیوی و اخروی آن ← تبیین شرایط و اقسام آن فضیلت.

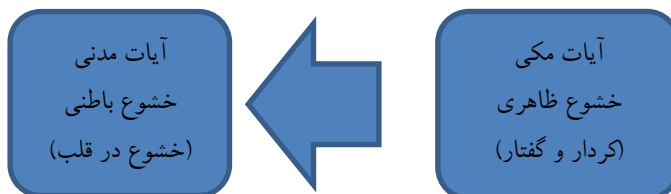
امر به خشوع و نهی از تکبر تنها در خلال آیات مکی مشاهده می‌شود و آیات مدنی همگی به صورت توصیفی بکار رفته‌اند. خشوع در تمام آیات مکی و مدنی در دو دسته کلی قابل تقسیم است؛ یکی خشوع در برابر خداوند و آیات او، دوم خشوع در برابر بندگان؛ که این بندگان شامل مومنان، جاهلان و پدر و مادر می‌شوند. مفهوم تکبر را نیز می‌توان در دو دسته کلی تقسیم نمود: اول تکبر در برابر بندگان، مانند تکبر قارون در برابر مردم، دوم تکبر در برابر خداوند و آیات او.

از مقایسه مفاهیم تکبر و تواضع در میان آیات مکی و مدنی می‌توان به خوبی نظاره‌گر مفهوم تدریج بود. ۱. تدریج در اندازها و تبشیرها: پاداش خشوع در آیات مکی، بهشت عنوان شده اما در آیات مدنی ملاقات خدا عنوان شده که بیانگر تدریج در تبشیرهاست. عذاب تکبر نیز در آیات مکی، خلود در آتش و عذاب‌های دنیوی اقوام سلف بود، اما در آیات مدنی عدم نصرت الهی و عدم محبوبیت نزد خداوند بزرگترین عذاب برای آنها عنوان شده است. ۲. تدریج در مخاطبان خشوع: در آیات مکی به خشوع در برابر پدر و مادر، بندگان و حتی جاهلان اشاره شده، اما در آیات مدنی به خشوع در برابر خداوند، قرآن و

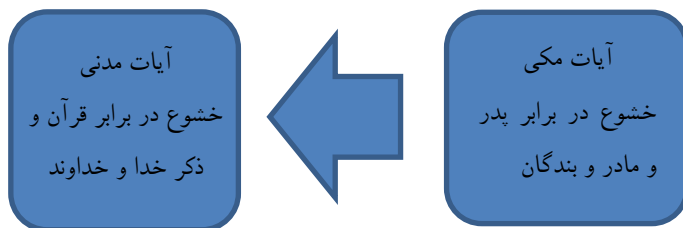
ذکر خدا اشاره شده است که تدریج در مفهوم خشوع را از مفهومی مادی در برابر بندگان به مفهومی معنوی در برابر خداوند نشان می‌دهد که بیانگر آن است که تعامل با خلق مقدمه تعامل با حق و عمل مقدمه صفت است. به گونه‌ای که بنده با تمرین خشوع در برابر مردم خود را آماده تواضع و قنوت در ملاقات با حق می‌کند. ۳. تدریج در مفهوم خشوع: در سور مکی به خشوع در کردار و گفتار اشاره شده که می‌توان آن را خشوع ظاهری نامید، مانند به آرامی راه رفتن؛ اما در آیات مدنی بیشتر به مفهوم خشوع در قلب اشاره دارد که می‌توان آن را خشوع باطنی نامید، مانند خشوع در برابر قرآن و یاد خدا. ۴. شاید بتوان بین مولفه‌های معنایی حوزه تکبر رابطه رتبی در نظر گرفت. بدین ترتیب که کبر مقدمه همه مفاهیم این حوزه است و پس از آن تکبر و سپس استکبار قرار دارد. مرتبه بعدی فخر و تزکیه (خودستایی) قرار دارد که منجر به طغیان، بغی و سرکشی می‌گردد.

از دیگر نتایج تبیین تدریجی آموزه‌های اخلاقی آن است که می‌توان شاهد کمال این آموزه‌ها نیز بود؛ بدین معنا که آموزه‌ای که در سال‌های ابتدایی نزول وحی مطرح می‌گردد، با آموزه‌ای که در سال‌های آخر نزول وحی اشاره می‌شود، از نظر رشد معنوی متفاوت است؛ به نحوی که گویی این آموزه در مدت بیست و سه سال به تدریج رشد کرده و کمال یافته است. همانطور که در مورد خشوع نیز به این کمال اشاره شد. خشوع در آیات مکی به خشوع بندگان در کردار و گفتار در برابر یکدیگر منحصر بود، اما در آیات مدنی این خشوع بیشتر صفت قلب قرار گرفت و به خشوع باطنی در برابر مفاهیم معنوی نظیر ذکر، آیات و خداوند اطلاق گشت.

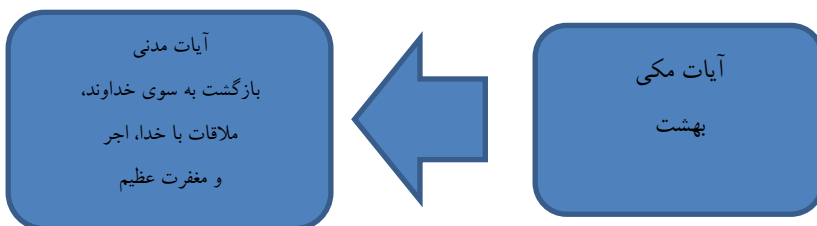
تدریج در مفهوم خشوع



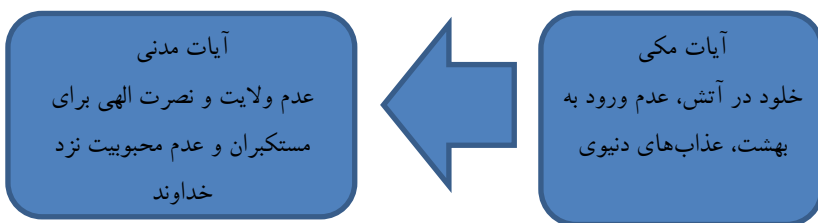
تدریج در مخاطبان خشوع



تدریج در تبشیرها (پاداش خشوع):



تدریج در انذارها (عذاب تکبر):



مفهوم تواضع در آیات مکی به ترتیب نزول

ردیف	آیات مکی	مفهوم تواضع
۱	(ثُمَّ أَذْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ) (مدثر / ۲۳)	بیان مصادیق استکبار (دشمنان پیامبر)
۲	(...فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى) (نجم / ۳۲)	نهی از استکبار
۳	(الَّذِي الذَّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌّ / سَيَعْلَمُونَ غَدًا مِنَ الْكَذَّابِ الْأَشِرِّ) (قمر / ۲۵ و ۲۶)	بیان مصادیق استکبار (امم پیشین)
۴	(بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ) (ص / ۲).	بیان مصادیق استکبار (کافران)
۵	(إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ / قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي اسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ) (ص / ۷۴ و ۷۵).	بیان مصادیق استکبار (ابلیس)
۶	(قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا) (اعراف / ۱۳).	بیان مصادیق استکبار (ابلیس)
۷	(وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ اسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ) (اعراف / ۳۶).	بیان عاقبت اخروی مستکبران
۸	(إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ اسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تَفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ ..) (اعراف / ۴۰).	بیان عاقبت اخروی مستکبران
۹	(وَ نَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رَجُلًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَ مَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ) (اعراف / ۴۸).	بیان عاقبت اخروی مستکبران
۱۰	(قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ.. / قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ / .. قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيِنَا..) (اعراف / ۷۶ و ۷۵ و ۸۸).	بیان مصادیق استکبار (امم پیشین)
۱۱	(فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَ الْجُرَادَ وَ .. آیاتٍ مُفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا..) (اعراف / ۱۳۳).	بیان مصادیق استکبار (امم پیشین)
۱۲	(سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ	بیان مصادیق استکبار (امم پیشین)

ردیف	آیات مکی	مفهوم تواضع
	إِن يَرَوْا كَلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا .. (اعراف / ۱۴۶).	
۱۳	إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَ لَهُ يَسْجُدُونَ (اعراف / ۲۰۶).	بیان مصادیق تواضع (ملائکه)
۱۴	وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْ لَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْمَلَائِكَةَ أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدْ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا (فرقان / ۲۱).	بیان مصادیق استکبار (کافران)
۱۵	وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا فرقان / وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا (فرقان / ۶۳ و ۶۴)	بیان مصادیق تواضع (عباد الرحمن)
۱۶	اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِالْأَهْلِ.. (فاطر / ۴۳).	بیان مصادیق تکبر
۱۷	وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (شعراء / ۲۱۵).	امر به تواضع در برابر مومنان
۱۸	وَ جَحَدُوا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتَهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عُلوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (نمل / ۱۴).	بیان عاقبت مستکبران
۱۹	أَلَّا تَعْلَمُوا عَلَى وَ اتُونِي مُسْلِمِينَ (نمل / ۳۱).	نهی از استکبار
۲۰	إِن فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ.. إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ (قصص / ۴).	بیان مصادیق استکبار (امم پیشین)
۲۱	وَ اسْتَكْبَرَ هُوَ وَ جُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ (قصص / ۳۹).	بیان مصادیق استکبار (امم پیشین)
۲۲	إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ .. إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ (قصص / ۷۶).	بیان مصادیق استکبار (امم پیشین)
۲۳	تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلوًّا فِي الْأَرْضِ وَ لَا فَسَادًا وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (قصص / ۸۳).	بیان عاقبت اخروی مستکبران
۲۴	وَ قَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ .. لَتَعْلَنَّ عُلوًّا كَبِيرًا (اسراء / ۴).	بیان مصادیق استکبار (امم پیشین)
۲۵	وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْنِي صَغِيرًا (اسراء / ۲۴).	امر به تواضع در برابر پدر و مادر

ردیف	آیات مکی	مفهوم تواضع
۲۶	(وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَ لَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا) (اسراء / ۳۷).	نهی از تکبر
۲۷	(.. إِنْ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا.. وَ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا) (اسراء / ۱۰۷ و ۱۰۹)	بیان مصادیق تواضع (اوتوالعلم)
۲۸	(ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمُ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَ كَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ / .. وَ إِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَ إِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ) (یونس / ۸۳ و ۷۵).	بیان مصادیق استکبار (امم پیشین)
۲۹	(وَ لَئِنْ أَذَقْنَاهُ نِعْمَاءَ بَعْدَ ضِرَاءٍ مَسْتَهْجِئَةٍ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ) (هود / ۱۰).	بیان وضعیت حال مستکبران
۳۰	(لَا تَدْنَنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَ لَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ) (حجر / ۸۸).	امر به تواضع در برابر مومنان
۳۱	(وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا.. وَ كُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ) (انعام / ۹۳).	توصیف مستکبران
۳۲	(إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ) (صافات / ۳۵).	توصیف مستکبران
۳۳	(وَ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَ لَّىٰ مُسْتَكْبِرًا كَانَ لَمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا..) (لقمان / ۷).	توصیف مستکبران
۳۴	(وَ لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ / وَ اقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنْ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتُ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ) (لقمان / ۱۸ و ۱۹).	نهی از تکبر و امر به تواضع در برابر مردم
۳۵	(.. يَقُولُ الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْ لَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ / قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعُّوا أَمْ نَحْنُ صَدْدُكُمْ عَنْ الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ / وَ قَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ..) (سبأ / ۳۳-۳۱).	توصیف عاقبت اخروی مستکبران

ردیف	آیات مکی	مفهوم تواضع
۳۶	(بلى قَدْ جَاءَتْكَ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ / وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ) (زمر/ ۶۰ و ۵۹).	توصیف مستکبران
۳۷	(قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ) (زمر / ۷۲).	توصیف عاقبت اخروی مستکبران
۳۸	(وَ قَالَ مُوسَى إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَ رَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ) (غافر / ۲۷).	استعاذه به خداوند از شر استکبار
۳۹	(الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبْرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُّتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ) (غافر / ۳۵).	توصیف مستکبران
۴۰	(وَ إِذْ يَتَحَاوَنُونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِّلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا .. قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا ..) (غافر / ۴۸ و ۴۷).	توصیف عاقبت اخروی مستکبران
۴۱	(إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَا هُمْ بِبَالِغِيهِ ..) (غافر / ۵۶).	توصیف مستکبران
۴۲	(.. إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ) (غافر / ۶۰).	توصیف عاقبت اخروی مستکبران
۴۳	(ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ بِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ / ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ) (غافر / ۷۵ و ۷۶).	توصیف عاقبت اخروی مستکبران
۴۴	(فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ ..) (غافر / ۸۳).	توصیف مستکبران
۴۵	(فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ ..) (فصلت / ۱۵).	بیان مصادیق استکبار(امم پیشین)
۴۶	(فَإِنِ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ هُمْ لَا يَسْأَمُونَ) (فصلت / ۳۸).	

ردیف	آیات مکی	مفهوم تواضع
۴۷	(و تَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الذَّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ وَ...) (شوری / ۴۵).	توصیف عاقبت اخروی مستکبران
۴۸	(.. إِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرحَ بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ) (شوری / ۴۸).	توصیف مستکبران
۴۹	(وَأَنْ لَا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ إِنِّي آتِيكُمْ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ) (دخان / ۱۹).	بیان مصادیق استکبار (امم پیشین)
۵۰	(مَنْ فِرْعَوْنُ إِنَّهُ كَانَ عَلِيًّا مِنَ الْمُسْرِفِينَ) (دخان / ۳۱).	بیان مصادیق استکبار (امم پیشین)
۵۱	(يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَنْ لَمْ يَسْمَعْهَا ..) (جاثیه / ۸).	بیان مصادیق استکبار
۵۲	(وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ) (جاثیه / ۳۱)	بیان مصادیق استکبار
۵۳	(وَأَلَّهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ) (جاثیه / ۳۷)	
۵۴	(قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ فَأَمَنْ وَاسْتَكْبَرْتُمْ..) (احقاف / ۱۰).	بیان مصادیق استکبار
۵۵	(..فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ...) (احقاف / ۲۰)	بیان عاقبت اخروی استکبار
۵۶	(إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ) (نحل / ۲۲).	بیان مصادیق استکبار
۵۷	(لَا جَرَمَ أَنْ اللَّهُ يَعْلَمَ مَا يُسِرُّونَ وَ مَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ) (نحل / ۲۳)	بیان وضعیت مستکبران
۵۸	(فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَلَيْسَ مَتْوًى الْمُنْكَرِينَ) (نحل / ۲۹).	بیان عاقبت اخروی مستکبران
۵۹	(وَاللَّهُ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ) (نحل / ۴۹)	بیان تواضع ملائکه
۶۰	(وَإِنِّي كَلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ.. أَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا) (نوح / ۷)	مصادیق استکبار (کافران)

تتبع سیر تدریجی آموزه تواضع در قرآن با تکیه بر ترتیب نزول ۲۴۱

ردیف	آیات مکی	مفهوم تواضع
۶۱	(وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُعْتَدُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ..)(ابرهیم / ۲۱).	بیان عاقبت اخروی مستکبران
۶۲	(وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ)(انبیاء / ۱۹).	بیان تواضع ملائکه
۶۳	(فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ..وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ)(انبیاء / ۹۰).	بیان تواضع زکریا و همسرش
۶۴	(الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ)(مومنون / ۲)	بیان تواضع مومنان در نماز
۶۵	(إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَوَلَّيْتَهُ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ)(مومنون / ۴۶).	مصادیق استکبار (امم پیشین)
۶۶	(مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ سَامِرًا تَهْتَجِرُونَ)(مومنون / ۶۷).	مصادیق مستکبران
۶۷	(إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا..وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ)(سجده / ۱۵).	مصادیق تواضع (امم پیشین)
۶۸	(يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا عَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ)(انفطار / ۶).	توصیف کبر انسان
۶۹	(وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ..)(عنکبوت / ۳۹)	مصادیق استکبار (امم پیشین)

مفهوم تواضع در آیات مدنی به ترتیب نزول

ردیف	آیات مدنی	مفهوم تواضع
۱	(وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ)(بقره / ۳۴).	توصیف مصادیق استکبار (ابلیس)
۲	(وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ)(بقره / ۴۵).	توصیف خاشعان
۳	(..أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ)(بقره / ۸۷).	بیان مصادیق استکبار (کافران)
۴	(وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ..)(بقره / ۲۰۶).	توصیف مستکبران
۵	(وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا..)(آل عمران / ۱۹۹).	توصیف تواضع اهل کتاب در برابر خداوند

۶	(لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ..) (حشر / ۲۱).	بیان خشوع کوه
۷	(هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ .. الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ) (حشر / ۲۳)	
۸	(إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ.. وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ.. أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً ..) (احزاب / ۳۵)	توصیف خشوع مومنان
۹	(وَمِنَ النَّاسِ مَن يَجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّثْبِتٍ / ثَانِي عَطْفِهِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ..) (حج / ۹و۸).	توصیف متکبران
۱۰	(إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا) (نساء / ۳۶).	عدم محبوبیت مستکبران نزد خداوند
۱۱	(أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنفُسَهُمْ بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا) (نساء / ۴۹).	توصیف متکبران
۱۲	(لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَلَا مَن يَسْتَنْكِفُ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرُ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا) (نساء / ۱۷۲).	توصیف استکبار اهل کتاب
۱۳	(.. وَ أَمَّا الَّذِينَ اسْتَنكَفُوا وَ اسْتَكْبَرُوا فَيَعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَ ..) (نساء / ۱۷۳).	بیان عاقبت اخروی مستکبران
۱۴	(وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّا رُؤُسَهُمْ وَ رَأَتْهُمْ يَصُدُّونَ وَ هُمْ مُسْتَكْبِرُونَ) (منافقون / ۵).	توصیف استکبار منافقان
۱۵	(أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَ مَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ ..) (حدید / ۱۶).	خشوع قلبی مومنانم در برابر خداوند
۱۶	(وَلَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ) (حدید / ۲۳)	عدم محبوبیت متکبران نزد خداوند
۱۷	(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ..) (مائده / ۵۴).	توصیف مومنانم به تواضع

توصیف نصاری به تواضع	<p>۱۸ (وَلَنَجِدَنَّهُمْ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ) (مائده / ۸۲).</p>
----------------------	--

کتابنامه

۱. قرآن کریم
۲. ابن فارس، ابو الحسن احمد، (۱۴۱۱ق)، معجم مقاییس اللغة، (تحقیق عبدالسلام محمد هارون)، بیروت. دارالجلیل.
۳. ابن عاشور، محمدطاهر، (۱۴۲۰ق)، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور. بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
۴. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، (۱۴۲۲ق)، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، (تحقیق محمد عبدالسلام عبدالشافی). بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۱۹م)، تفسیر القرآن العظیم، (محقق محمد حسین شمس الدین). بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۶. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم الانصاری، (۱۴۰۰م)، لسان العرب، بیروت، دارالفکر.
۷. اسحاق نیا تربتی، سید رضا، (۱۳۸۲ش)، دایره المعارف قرآن کریم، مدخل تکبر. مرکز فرهنگ و معارف قرآن. قم، بوستان کتاب.
۸. بغوی، حسین بن مسعود، (۱۴۲۰ق)، تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل، (محقق عبد الرزاق مهدی)، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۹. بلاشر، رژی، (۱۴۰۴ق)، تاریخ الادب العربی، (ترجمه ابراهیم گیلانی)، دمشق، دارالفکر.
۱۰. بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ق)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۱۱. پهلوان، منصور و ناصر بابوسته، (۱۳۹۳ش)، پایان نامه «تکبر و تواضع از دیدگاه قرآن و حدیث (معنی شناسی، مصادیق و آسیب شناسی)»، کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

۱۲. جمالی، احمد، (۱۳۹۱ش)، دایره المعارف قرآن کریم، مدخل تواضع، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، قم: بوستان کتاب.
۱۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۳۷۶ش)، الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربیة، (تحقیق احمد عبدالغفور عطار)، بیروت، دارالعلم للملایین.
۱۴. حوفی، احمد محمد، (۱۹۶۲م)، الحیاه العربیة من الشعر الجاهلی، بیروت، دارالقلم.
۱۵. دروزه، محمدعزه، (۱۴۲۱ق)، التفسیر الحدیث، ترتیب السور حسب النزول، تونس، دار الغرب الاسلامی.
۱۶. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، (تحقیق عدنان داودی)، بیروت، دارالعلم.
۱۷. زبیدی، محمد مرتضی، (۱۲۶۸ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دار مکتبه الحیاه.
۱۸. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، (مصحح مصطفی حسین احمد)، بیروت، دار الکتاب العربی.
۱۹. سلیمانی، معصومه، (۱۳۹۵ش)، «نقش عنصر تواضع در شکل گیری و تقویت ارتباطات میان فردی از منظر آیات و روایات». مجله فرهنگ پژوهش. شماره ۲۸، دانشگاه باقرالعلوم.
۲۰. شیخ طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، (مصحح احمد حبیب عاملی)، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۲۱. ضیف، شوقی، (۱۴۲۷ق)، تاریخ الادب العربی، قم، ذوی القربی.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، (تصحیح فضل الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی)، تهران، ناصر خسرو.
۲۳. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت، دار المعرفة.
۲۴. طریحی، فخرالدین، (۱۳۹۵ش)، مجمع البحرین، (تحقیق سید احمد حسینی)، تهران، المکتبه المرتضویه.
۲۵. علی، جواد، (۱۳۸۰ش)، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۶. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۲۷. فراهیدی، ابو عبد الرحمن خلیل بن أحمد، (۱۴۰۵ق)، کتاب العین، (تحقیق دکتر مهدی مخزومی و دکتر ابراهیم سامرائی)، قم، دار الهجرة.

تتبع سیر تدریجی آموزه تواضع در قرآن با تکیه بر ترتیب نزول ۲۴۵

۲۸. قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴ش)، الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصر خسرو.
۲۹. مقاتل بن سلیمان، (۱۴۲۳ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، (محقق عبدالله محمود شحاته)، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۳۰. هراتیان، عباس علی و مژگان آگاه و الهام موسوی، (۱۳۹۲ش)، «ساخت و اعتبار یابی مقیاس اسلامی تکبر - تواضع»، مجله روانشناسی و دین، سال ششم، شماره ۴، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.